

# مطالعه تطبیقی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی از نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تا سال ۲۰۱۵

محمدعلی بصیری\*

مجیدرضا مومنی\*\*

الهام استوار\*\*\*

## چکیده

مسئله استفاده از انرژی هسته‌ای، امروزه توجه جهانیان را به خود معطوف ساخته است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷ با هدف منع دولت‌ها از انحراف مواد و تجهیزات هسته‌ای به مصارف نظامی و غیرصلح‌آمیز تأسیس شد و وظیفه بازرسی و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌ها را بر عهده گرفت. اسناد گوناگونی به صورت عهدنامه‌های بین‌المللی وجود دارند که تعهداتی برای دولت‌های عضو ایجاد می‌کنند و با برقراری چارچوبی برای نظارت بین‌المللی، به کشورها حق برخورداری از انرژی صلح‌آمیز اتمی را می‌دهد. دو کشور ایران و کره شمالی از کشورهایی است که فرایند هسته‌ای شدن‌شان با

\*. عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

\*\*\* کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

(نویسنده مسئول: sarzamineman313@gmail.com).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۱۹

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هجدهم، صص ۲۳۹ - ۲۰۹.

واکنش مجامع بین‌المللی همراه بوده است. آن چه این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ برای آن بوده، بررسی عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال برنامه اتمی این کشورها است. سوال اصلی پژوهش آن بوده است که عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال برنامه اتمی دو کشور ج.ا.ایران و کره شمالی چگونه بوده است؟ فرضیه پژوهش نیز آن بوده است که عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در رابطه با برنامه اتمی ایران و کره شمالی مطابق اساسنامه آژانس و معاهده NPT نبوده و عملکرد دوگانه‌ای را داشته است. لذا برای تبیین بهتر این پژوهش از روش تطبیقی و کاربست مفهوم رژیم‌های بین‌المللی امنیتی، با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است.

نتایج پژوهش نشان داده است که به‌رغم همکاری ج.ا.ایران و متابعت از NPT و عدم همکاری کره شمالی و خروج از NPT آژانس به‌گونه کاملاً تبعیض‌آمیز و متأثر از نفوذ قدرت‌های بزرگ عمل کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ج.ا.ایران، کره شمالی، بحران اتمی، رژیم‌های بین‌المللی.

قدرت‌های بزرگ، به‌طور جدی با توانمندی هسته‌ای کشورهای متعارض با منافع خود مخالف هستند. تجربه جنگ‌های جهانی، به‌خصوص جنگ جهانی دوم نشان داد که توانمندی هسته‌ای، به‌ویژه در عرصه نظامی بسیار تأثیرگذار و در تعیین سرنوشت نهایی تعارض و اختلاف‌ها، بسیار مهم است. بنابراین برنامه هسته‌ای شدن ج.ا.ایران و کره شمالی با حساسیت ویژه‌ای از سوی دولت‌ها، سازمان‌ها، رسانه‌ها و خبرگزاری‌های غرب تحت تعقیب و نظر است. این امر را می‌توان به متعارض بودن منافع و سیاست‌های ج.ا.ایران و کره شمالی با کشورهای غربی دانست.

در سال ۱۳۸۱ آمریکایی‌ها به مدارکی دست یافتند که گویای فعالیت‌های ج.ا.ایران برای دسترسی به چرخه سوخت بود. از جمله تصاویر ماهواره‌ای، اطلاعاتی که سازمان مجاهدین خلق به قدرت‌های جهانی داده بودند، اعترافات دلانان هسته‌ای نظیر عبدالغديرخان و... سبب اعلام رسمی دستیابی به فناوری هسته‌ای ج.ا.ایران شد. شورای حکام با صدور قطعنامه شدیدالحن خواستار توقف کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همچنین امضای پروتکل الحاقی و سپس به شورای امنیت ارجاع داده شد. اما ج.ا.ایران همواره تأکید کرده که در چارچوب NPT برنامه اتمی صلح‌آمیزی را دنبال کرده است. تلاش کره شمالی برای دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای از سال‌های اولیه دهه پنجاه میلادی شروع شد. هدف کره شمالی از سرمایه‌گذاری کلان در توسعه صنایع تسلیحات هسته‌ای به‌رغم پذیرش تحریم‌ها و هزینه‌های زیاد آن، تضمین امنیت و حفظ نظام کمونیستی این کشور بود. در خلال دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، مرکز ثقل توسعه صنعتی کره شمالی بر برنامه هسته‌ای آن قرار داشت. به همین دلیل، فشارهای آمریکا بر شوروی افزایش یافت. این فشارها در نهایت سبب شد تا کره شمالی در ژوئیه ۱۹۷۷،

قرارداد پادمان سه‌جانبه‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شوروی امضا کند و بدین ترتیب، مجتمع یونگبیون<sup>۱</sup> زیر نظارت آژانس قرار گیرد.

کره شمالی در ماه مه ۱۹۹۴ در تأسیسات و مواد هسته‌ای خود اقدامات و جابجایی‌هایی بدون حضور بازرسان آژانس صورت داد که منجر به بروز بحران تازه‌ای شد. این بحران با سفر جیمی کارتر به پیونگ یانگ<sup>۲</sup> و ملاقات و توافق وی با کیم ایل سونگ<sup>۳</sup> در ژوئن ۱۹۹۴ فروکش کرد. این دیدار منجر به تدوین یک "چارچوب توافق شده" بین آمریکا و کره شمالی در اکتبر ۱۹۹۴ شد. کره شمالی در سال ۲۰۰۲ برنامه مخفیانه غنی‌سازی اورانیوم را آغاز کرد. با اوج‌گیری بحران، کره شمالی در ۲۰۰۳، خروج خود از معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای بر اساس ماده ۱۰ معاهده اعلام کرد. در سپتامبر ۲۰۰۴، مذاکرات شش‌جانبه نتوانست کره شمالی را از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای خود منصرف نماید و به بن‌بست انجامید. کره شمالی در فوریه ۲۰۰۵ خبر از در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای داد. این اقدام کره شمالی با واکنش اعضای شورای حکام آژانس روبه‌رو شد و آن‌ها خواهان ارجاع پرونده این کشور به شورای امنیت سازمان ملل شدند. کره شمالی که هم‌اکنون به‌عنوان یکی از ناقضان اصلی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای معرفی می‌شود، از جمله اولین کشورهایی است که در سال ۱۹۶۷ این معاهده را امضا کرد. برنامه هسته‌ای کره شمالی نگرانی تمام کشورهای منطقه و بیش از همه کره جنوبی را برانگیخته است.

در چنین شرایطی، با توجه به رقابت گسترده‌ای که بر سر بهره‌برداری و در اختیار داشتن منابع انرژی هسته‌ای در جهان وجود دارد، اهمیت دستیابی برخی کشورها به چرخه کامل سوخت هسته‌ای، بیشتر مشخص می‌شود. به همین دلیل است که پرونده هسته‌ای این دو کشور با واکنش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و صدور قطعنامه‌های مختلف همراه بوده است. بنابراین، با توجه به مزایا و معایب پیوستن کشورها به رژیم‌های بین‌المللی خلع سلاح اتمی، در این پژوهش به بررسی تطبیقی عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در قبال پرونده هسته‌ای ج.ا.ایران و کشور کره شمالی با مطالعه و تجزیه و تحلیل تحلیل قطعنامه صادر شده در این باره پرداخته شده است. سوال اصلی پژوهش آن است

1. Yongbyon
2. Pyongyang
3. Kim Il Sung.

که عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال پرونده هسته‌ای دو کشور ج.ا.ایران و کره شمالی چگونه بوده است؟ در پاسخ به این سوال، فرضیه اصلی این پژوهش نیز آن است که عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی مطابق معاهده NPT دوگانه بوده است و این به علت متأثر شدن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از نفوذ قدرت‌های بزرگ می‌باشد.

### ۱. روش پژوهش: روش تطبیقی

روش تحقیق تطبیقی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های پژوهش در حوزه مسائل علوم سیاسی است. سیاست مقایسه‌ای با مقایسه کلیه اشکال فعالیت سیاسی اعم از دولتی یا غیر دولتی، سروکار دارد. بر این اساس، متخصصان سیاست مقایسه‌ای عمدتاً به سیاست مقایسه‌ای به‌عنوان مطالعه کل پدیده‌های سیاسی می‌نگرند (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۲۸). در این روند، هریک از محققان بر اولویت‌های خاصی تأکید می‌ورزند و پدیده‌های به‌خصوصی را در نظام‌های سیاسی مختلف مورد مقایسه قرار می‌دهند (قوام، ۱۳۹۱: ۱۱). ارند لیجفارت<sup>۱</sup> چنین استدلال می‌کند که در سیاست تطبیقی تمرکز اصلی بر خودش نیست، بلکه بیشتر روشی است که بر چگونگی تجزیه و تحلیل تمرکز دارد و نه بر این که چه چیزی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (Lijphart، 1971: 682-693).

مشخصه روش تطبیقی، داشتن رویکرد تجربی مبتنی بر روشی تطبیقی است. "دلیل عمده برای پژوهش مقایسه‌ای، منعکس‌کننده ماهیت اساسی پژوهش در علوم اجتماعی است، بدین معنا که چون تقریباً هرگز نمی‌توان از روش تجربی مقایسه کرد، پس باید از روش‌های دیگر از جمله روش مقایسه‌ای بهره برد" (مارش، استوکر، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳).

روش مقایسه‌ای از جهات گوناگونی دارای اهمیت است. اول آن که آگاهی محقق را از کشورهای مختلف افزایش می‌دهد. جیووانی سارتوری<sup>۲</sup>، یکی از دانشمندان برجسته نظام‌های تطبیقی، معتقد است که اگر اطلاعات پژوهشگر علوم سیاسی محدود به یک کشور باشد، گویی او نسبت به هیچ کشور آگاهی ندارد (Sartori، 1991، p243-257). معرفت‌بخشی این روش تا حدی است که بعضی از اندیشمندان علوم سیاسی علمی بودن

1. Arend Lijphart  
2. Giovanni Sartori

مطالعه یک پدیده سیاسی را مشروط به انجام آن به روش مقایسه‌ای دانسته‌اند. دوم آنکه روش مقایسه‌ای، محقق را از تعمیمات بی‌جا بازمی‌دارد. عبرت‌آموزی از تجارب دیگران نیز سومین مورد مهم است که با استفاده از روش مقایسه‌ای می‌توان به آن دست یافت. مقایسه گذشته و حال کشور خودمان و تطبیق تجربیات خودمان با تجارب دیگر ملت‌ها موجب ژرف‌تر شدن بینش ما در مورد نهادهای جامعه‌مان می‌شود. بررسی سیاست در دیگر جوامع، این امکان را فراهم می‌سازد که طیف وسیع‌تری از بدیل‌های سیاسی را مدنظر قرار دهیم و نقاط قوت و ضعف زندگی سیاسی خویش را روشن سازیم. طبقه‌بندی پدیده‌های سیاسی مستلزم درک تفاوت‌ها و یا مشابهت‌های آن پدیده‌ها با دیگر پدیده‌هاست. چنین بررسی‌هایی می‌تواند در چارچوب سیاست‌های مقایسه‌ای قرار گیرد (قوام، ۱۳۹۱: ۱۵).

این روش را می‌توان هم برای بررسی نهادها و اندیشه‌های سیاسی یک کشور در دوره‌های گوناگون تاریخی به کار برد و هم برای مطالعه پدیده‌های سیاسی کشورهای مختلف. در هر دو مورد، اساس روش عبارت است از توجه به همانندی‌ها و تفاوت‌هایی که ممکن است در اوضاع و شرایط اجتماعی دولت‌های مقایسه شونده وجود داشته باشد (عالم، ۱۳۸۸: ۴۸).

در این پژوهش از روش تطبیقی و کاربست مفهوم رژیم‌های بین‌المللی و به طور خاص رژیم بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای (NPT) به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل استفاده خواهد شد.

## ۲. مفهوم رژیم‌های بین‌المللی (رژیم‌های بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای "مطابق معاهده NPT")

از مباحث نسبتاً جدیدی که در عرصه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل مورد توجه تحلیل‌گران سیاست بین‌الملل قرار گرفته، مبحث "رژیم‌های بین‌المللی" است و راهگشای بسیاری از معضلات موجود در زمینه ترسیم خطوط اصلی جریان‌های بین‌المللی بوده است.

## ۲-۱. تعریف رژیم‌های بین‌المللی<sup>۱</sup>

در مورد مفهوم رژیم‌های بین‌المللی، تعاریف گوناگونی از سوی اندیشمندان چون جان روگی<sup>۲</sup>، اوران یانگ<sup>۳</sup>، رابرت کیوهن<sup>۴</sup>، جوزف نای<sup>۵</sup>، هالستی<sup>۶</sup>، ارنست هاس<sup>۷</sup> و... مطرح شده است. اما نکته مهم این است که از سال ۱۹۷۵ که اصطلاح رژیم‌های بین‌المللی توسط روجی وضع شد، با وجود متون غنی و مقالات فراوانی که در زمینه ابعاد گوناگون این مفهوم منتشر شده است، نمی‌توان به معنای واحدی دست یافت؛ چرا که هر یک از صاحب‌نظران از منظر خاصی به مقوله رژیم‌ها نگریسته است. برای نمونه یانگ براساس این پیش‌فرض که رژیم نوعی (نهاد اجتماعی) است، در قالب تعریفی محدود، آن را مترادف با قراردادهای چندجانبه می‌داند که در پی کنترل و تنظیم روابط میان کشورها در حوزه‌های مشخص می‌باشد، اما در مقابل؛ پوچالا<sup>۸</sup> و هاپکینز<sup>۹</sup>، رژیم‌ها را مجموعه‌ای از اصول، قواعد، هنجارها و رویه‌هایی می‌دانند که انتظارات بازیگران در آنجا تلافی کرده و برآورده می‌شود، این مجموعه به کنش‌های سیاسی سیستم معنا و مفهوم می‌بخشد و رفتار مشارکت‌کنندگان را تنظیم کرده و فعالیت‌های مشروع و نحوه حل تعارضات را نشان می‌دهد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۵۲-۴۵۸).

بر این اساس، می‌توان تمامی موضوعات و مسایل جاری در صحنه تعاملات بین‌المللی را به‌عنوان مقوله‌هایی در حوزه رژیم بین‌المللی قلمداد کرد. اما تعریفی که به‌عنوان معیار مورد توجه منابع علمی قرار گرفته از "استفن کراسنر"<sup>۱۰</sup> می‌باشد که در دهه ۱۹۸۰ ارائه شده است: "هر رژیم مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، مقررات (قواعد) و رویه‌های تصمیم‌گیری صریح یا تلویحی است که به‌واسطه آن، توقعات بازیگران در حوزه مفروضی از روابط بین‌الملل به هم می‌گراید". (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۷۴).

رژیم‌ها ممکن است به‌صورت کنوانسیون‌ها، موافقتنامه‌های بین‌المللی، معاهدات و

1. International regimes
2. J.Ruggie
3. Young
4. Robert Kyuhen
5. Joseph Nye
6. Halsty
7. Ernst Haas
8. Pvcchala
9. Hopkins
10. Stephen Krasner

نهادهای بین‌المللی تشکل یابند. رژیم‌ها را می‌توان در انواع حوزه‌های موضوعی همچون اقتصاد، محیط زیست، حقوق بشر، کنترل تسلیحات، ارتباطات، امنیت، حمل و نقل و جز اینها مشاهده کرد (قوام، ۱۳۹۰: ۴۱). رژیم‌های بین‌المللی امنیتی جزء مقولاتی است که حقوق بین‌الملل به‌طور یکسانی در آن پیشرفت نداشته است. شاید بتوان گفت معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی (NPT) در مرکز رژیم‌های بین‌المللی امنیتی قرار دارد. بررسی واقع‌بینانه مفاد معاهده ان. پی. تی و رویه دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای نشان می‌دهد که انتقال دانش هسته‌ای به کشورهای غیردارنده، تابعی از هدف اصلی معاهده؛ یعنی عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. در این پژوهش تأکید ما بر معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای خواهد بود.

## ۲-۲. معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT)

از همان آغاز عصر هسته‌ای اشاعه افقی و عمودی سلاح‌های هسته‌ای یکی از دلم‌شغولی‌های جامعه جهانی بوده و خطر ناشی از آنها علیه صلح و امنیت بین‌المللی همواره محسوس بوده است. آگاهی از این دلم‌شغولی شرایط رژیم عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را فراهم آورده است. این معاهده یک سند بین‌المللی منحصر به فردی است که در عین منع سلاح‌های هسته‌ای برای اکثریت قاطع کشورها، آنها را برای یک عده خاص انگشت شمار مجاز می‌داند.

براساس این معاهده، دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای، علاوه بر حق داشتن زرادخانه‌های هسته‌ای در مساعدت همدیگر برای توسعه و آزمایش سلاح‌های هسته‌ای، اخذ کمک از دیگران برای تقویت برنامه‌های هسته‌ای، استقرار سلاح‌های هسته‌ای در خاک کشورهای دیگر و تصمیم بر قبول نظارت بین‌المللی در فعالیت‌های هسته‌ای خود آزاد هستند. لذا قسمت اصلی تعهدات مندرج در این معاهده بر دوش کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای است. البته هدف اصلی خود معاهده نیست، بلکه هدف اعلام شده هموارساختن راه خلع سلاح هسته‌ای است.

## ۲-۳. تاریخچه رژیم‌های بین‌المللی خلع سلاح اتمی

خاستگاه اصلی مفهوم "رژیم‌های بین‌المللی" را در "سنت اروپایی" که دست‌کم به



زمان گروسیوس<sup>۱</sup> (۱۶۵۵-۱۵۸۳) باز می‌شود، جستجو کرد (Little, 1997: 232). بنابراین مقوله رژیم‌های بین‌المللی مفهوم نسبتاً جدیدی است که از اواسط دهه ۱۹۷۰ وارد عرصه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل شده است.

رژیم‌های بین‌المللی عدم اشاعه و خلع سلاح ریشه در اندیشه‌های لیبرالیستی آرمانگرایان به ویژه نهادگرایان لیبرال<sup>۲</sup> دارد. همانطوری که گفتیم ارتباطی تنگاتنگی بین این رژیم‌ها و نگاه کشورها حول مسأله امنیت وجود دارد. در این راستا، تفکرات فلاسفه و مورخان همچون توسیدید، ماکیاولی و کانت را از جمله دیدگاه‌هایی می‌دانند که حداقل در شکل‌گیری مبانی معرفت‌شناسی و برخی از عناصر مفاهیم خلع سلاح و کنترل تسلیحات تأثیرگذار بوده‌اند (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۱۹). مبحث مهمی که در مورد بررسی رژیم‌های خلع سلاح در چارچوب نظریات لیبرالیسی وجود دارد این است که اهداف و عناصر مفهوم خلع سلاح با اهداف مکتب لیبرالیسم انطباق زیادی دارند مفاهیمی چون صلح جهانی و امنیت دسته جمعی و.. از این تئوری برخاسته‌اند.

برگزاری کنفرانس‌های لاهه و انعقاد کنوانسیون‌های لاهه در خصوص حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و محدودسازی جنگ، اولین رویکرد چندجانبه در زمینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات است (رضاپور: ۱۳۸۸: ۷۰). گرچه با پایان یافتن جنگ جهانی اول، تحولات بنیادین در نظام بین‌الملل پدیدار شده بود اما به جز انعقاد معاهده ورسای برای خلع سلاح آلمان، جامعه ملل نتوانست توفیقی بعمل آورد. به طور خلاصه، جهان در فواصل سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۶ شاهد تلاش‌های چشمگیر برای دستیابی به خلع سلاح بود. در دوره مدرن نیز از آغاز قرن ۲۰ تفکرات خلع سلاح و کنترل تسلیحات نضج گرفته است.

### ۳. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

به کارگیری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به رسمیت شناخته شده است و در حقیقت، مبنای اصلی تشکیل این سازمان را تشکیل می‌دهد. در ماده ۲ اساسنامه آژانس چنین بیان شده است "آژانس خواهد کوشید سهم

1. Grvsyvs

2. Liberal institutionalists

انرژی اتمی را در صلح، سلامت و سعادت سراسر جهان تسریع کند و توسعه بخشد". علاوه بر این، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ترویج و هدایت توسعه کاربردهای صلح‌آمیز هسته‌ای، برقراری استانداردهایی از بابت ایمنی هسته‌ای و حفاظت محیط زیست، ارائه کمک‌های فنی و ترغیب افزایش همکاری‌های فنی در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و مبادله اطلاعات علمی و فنی در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و تشویق مبادله و تعلیم دانشمندان و کارشناسان در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را نیز برعهده دارد.

### ۱-۳. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و برنامه اتمی ایران

پس از طرح موضوع پیوستن ج.ا.ایران به پروتکل الحاقی، توجه همگانی به موضوع رژیم‌های بین‌المللی سلاح‌های کشتار جمعی معطوف گردید. این موضوع با توجه به آثار مثبت و منفی آن، سبب بحث در داخل ج.ا.ایران و در سطح جهانی گردیده است. در این بخش به بررسی عملکرد شورای حکام آژانس در خصوص موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران پرداخته شده است. از این رو قطعنامه‌های شورای حکام طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ ملاک بررسی قرار گرفته‌اند.

### ۱-۳. قطعنامه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳

به گفته آقای البرادعی<sup>۱</sup> در این قطعنامه یک پیام بسیار محکم و قوی برای ج.ا.ایران وجود دارد و آن این است که آژانس احتیاج به یک همکاری کامل و فوری و نشان دادن شفافیت کامل از سوی ج.ا.ایران دارد. ج.ا.ایران در مقابل ذکر کرد که بر خلاف بعضی کشورها ما "استفاده و توسعه سلاح‌های هسته‌ای را امری غیربشری" خلاف اخلاق و خلاف قانون و در تضاد با اصول اساسی و اولیه می‌دانیم (شیعه نیوز، ۱۱/۱۷/۲۰۱۵). وزارت امور خارجه آمریکا بر این امر تأکید کرد که ج.ا.ایران در نطنز و اراک تجهیزاتی در حال ساخت دارد که در ساخت سلاح اتمی کاربرد دارد و عکس‌های ماهواره‌ای آن را نشان می‌دهد.

در چنین شرایطی محمد البرادعی از سایت‌های مذکور بازدید کرد. البرادعی در بازدید ماه فوریه ۲۰۰۲ از ج.ا.ایران بر وجود تأسیسات آزمایشی در تولید اورانیوم غنی شده

1. ElBaradei

تأکید گذاشت. بعد از دیدار البرادعی، جمهوری اسلامی ایران نیز بر وجود چنین تجهیزاتی در نزدیکی اصفهان صحنه گذاشتند. متعاقب آن آژانس اعلام کرد که ج.ا.ایران در ارائه اطلاعات در مورد برنامه هسته‌ای است صادق نبوده است و خواهان اجرای پروتکل الحاقی توسط ج.ا.ایران شد. (GOV/2003/69).

ج.ا.ایران معتقد بود از روح و عبارات ذکر شده در پیمان NPT و نیز اساسنامه آژانس فراتر رفته است. در مورد خواسته‌های آژانس دو مورد برجسته به چشم می‌خورد: "موافقت ج.ا.ایران با بازرسی‌های نامحدود از سوی بازرسان آژانس" و "امضا بدون قید و شرط پروتکل الحاقی و اجرای آن قبل از طی شدن مراحل قانونی تصویب". این درخواست بیشتر سیاسی بود تا حقوقی، و این خواسته اصل رضایت آزادانه و حق حاکمیت یک کشور را در انجام مذاکره و عقد قرارداد طبق قوانین بین‌المللی نادیده می‌گرفت. همچنین اصل ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات را که می‌گوید: "اگر عقد یک پیمان با نقض اصول قوانین بین‌المللی متبلور در منشور سازمان ملل از طریق تهدید یا توسل به زور به دست آمده باشد، آن معاهده باطل است". را نیز نقض می‌کند. (قوانین و مقررات داوری و عهدنامه وین درباره معاهدات، ۱۳۶۱: ۲۱)

## ۲-۱-۳. قطعنامه ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳

آقای پاول<sup>۱</sup> وزیر امور خارجه آمریکا این قطعنامه آنقدر قوی می‌داند که در برابر عمل انجام داده مسئول قرار دهد. زیرا اگر ج.ا.ایران به تعهداتش عمل نکند، آن وقت موضوع به شورای حکام آژانس ارجاع می‌شود و در نتیجه عمل متناسب اتخاذ می‌شود. در واقع اعلام می‌دارد جامعه بین‌المللی سیاست انکار، تأخیر و فریب را نمی‌پذیرد و عدم رعایت تعهدات ج.ا.ایران در گذشته را مورد تأیید و قبول داده است (GOV/2003/81).

این قطعنامه یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌های صادر شده از سوی آژانس می‌باشد که سبب اظهار نظر قدرت‌های بزرگ راجع به برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران شد و این سند را لازمه صلح و آشتی دانستند. اما نکته‌ای که نادیده گرفته شده، آن است که قدرت‌های بزرگ طبق NPT در ماده ۴ متعهد می‌شوند، تبادل هر چه وسیع‌تر تجهیزات، مواد؛ دانش و اطلاعات فنی را در جهت مصارف صلح‌جویانه انرژی هسته‌ای تسهیل نمایند. حال آنکه قدرت‌های بزرگ

1. Paul

به این وظیفه خود طبق NPT در قبال ج.ا.ایران عمل نکردند و در واقع ج.ا.ایران را مجبور به سیاست پنهان کاری برای دستیابی به دانش هسته‌ای کردند. این قطعنامه حاصل مشورت اعضاء اروپایی، آمریکا، روسیه، چین و آفریقای جنوبی و دیگر اعضاء شورای حکام می‌باشد.

### ۳-۱-۳. قطعنامه ۱۳ مارس ۲۰۰۴

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این قطعنامه را به دلیل مخفی کردن فعالیت‌هایش مورد انتقاد قرار داد. آمریکا این قطعنامه را یک پیروزی بزرگ قلمداد کرد. آقای حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت ج.ا.ایران این قطعنامه آژانس را یک قطعنامه "ناعادلانه و فریب‌آمیز" توصیف کرد. ج.ا.ایران در واکنش به این قطعنامه از بازرسی بازرسان آژانس که قرار بود از ج.ا.ایران انجام شود، خودداری و آن را به زمان دیگری موکول می‌کند. بعضی از اعضاء آژانس سعی در آرام کردن لحن قطعنامه داشتند؛ اما قدرت‌های غربی و آمریکا خواهان دادن اخطار جدی و قوی به ایران بودند (GOV/2004/21).

با توجه به اینکه ج.ا.ایران بارها اعلام کرده بود که برنامه اتمی‌اش کاملاً صلح‌آمیز بوده و برای تولید انرژی برق و الکتریسیته است و در راستای رعایت NPT و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با بازرسی آشکار از تسهیلاتش استقبال کرده بود؛ اما آژانس متأثر از آمریکا در رابطه با ج.ا.ایران کاملاً سخت‌گیرانه عمل کرده و حتی به نظر کشورهای مخالف این قطعنامه مانند چین و روسیه اهمیتی داده نشده است. آمریکا ایران را به داشتن یک برنامه مخفی برای ساختن سلاح‌های اتمی متهم کرد.

### ۴-۱-۳. قطعنامه ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴

۴۵ عضو شورای حکام ج.ا.ایران را بخاطر تصمیمش برای مخفی کردن برنامه اتمی‌اش مورد سرزنش قرار دادند و به ج.ا.ایران اخطار دادند که فرصت کوتاهی دارد تا سلاح‌های هسته‌ای‌اش را منتفی کند. تحلیل‌گران ایرانی آن را توافق و سازشی میان آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها می‌دانستند. در این دوره آژانس پرونده ج.ا.ایران را به شورای امنیت منتقل نمی‌کرد و کشورهای غربی آن را یک خطا و نقض بزرگ می‌دانستند.

موسویان رئیس هیات نمایندگی ج.ا.ایران این قطعنامه را نسبت به قطعنامه‌های قبلی مثبت‌تر ارزیابی می‌کند زیرا اولاً قطعنامه وارد حوزه نظامی نشده است. دوم اینکه در

این قطعنامه یک موعد خاص و معین برای ایران تعیین نشده است و ذکر شده که ج.ا.ایران باید در چند ماه آینده به سوالات پاسخ دهد. سوم اینکه ج.ا.ایران را وادار می‌کند که برنامه تبدیل‌سازی اورانیوم خود را خاتمه دهد (GOV/2004/49).

در این قطعنامه به‌رغم اینکه هیچ‌گونه برگشت و انحراف در برنامه اتمی ج.ا.ایران به کانال‌های نظامی و در عین همکاری ج.ا.ایران با آژانس، رهبران کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه همکاری خود با ج.ا.ایران را به دلیل فعالیت‌های مشکوک غنی‌سازی اورانیوم و همچنین امضای پروتکل الحاقی قطع کردند و اساسنامه آژانس بین‌المللی و معاهده NPT را در امر دستیابی به تکنولوژی اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز نقض کردند.

### ۵-۳-۱. قطعنامه ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴

این قطعنامه ضرب‌الأجلی غیر مستقیم بر ج.ا.ایران تحمیل می‌کند تا خواسته‌ها و شرایط موردنظر شورای حکام را تأمین کند. آقای روحانی در پاسخ گفت در صورتی که پرونده ج.ا.ایران به شورای امنیت ارسال شود، این اقدامی عاقلانه نخواهد بود و از عمل به NPT خودداری خواهد کرد. آمریکایی‌ها در پاسخ گفتند که در صورتی که ج.ا.ایران به قطعنامه عمل نکند، با واکنش‌های منفی و خطرناکی همچون تحریم اقتصادی ج.ا.ایران و اقدامات نظامی علیه ج.ا.ایران روبه‌رو خواهد شد (GOV/2004/79).

به گفته دکتر محمد البرادعی آنچه در تأسیسات هسته‌ای ایران دیده می‌شد، غنی‌سازی اورانیوم نبوده؛ بلکه تبدیل برخی مواد به یکدیگر بوده است. به‌علاوه کلیه فعالیت‌های اتمی ج.ا.ایران از نزدیک تحت نظارت بازرسان آژانس قرار داشت (شیعه نیوز ۲۰۱۵/۷/۱۱). گزارش روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست نیز که به شورای حکام آژانس داد، "از افزایش همکاری ج.ا.ایران با آژانس در ماه‌های اخیر حکایت داشت"، اما قدرت‌های جهانی با سیاسی‌کاری و نادیده گرفتن تلاش ایران خواستار توقف کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران شدند. ج.ا.ایران می‌گوید که طبق پیمان NPT حق دارد که برای مقاصد صلح‌آمیز اورانیوم را غنی کند ولی در قطعنامه اخیر آژانس، این حق از ج.ا.ایران سلب شده است و از این‌رو از نظر دولت ایران این اقدام کاملاً غیر قانونی است؛ این در حالی بود که ج.ا.ایران اصول پروتکل الحاقی NPT را پذیرفته بود ولی هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده بود و در نتیجه برای ج.ا.ایران الزام قانونی نداشت.

### ۶-۱-۳. قطعنامه ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴

در این قطعنامه از اشاره به ارجاع پرونده ج.ا.ایران به شورای امنیت سازمان ملل خودداری شده است. در واقع اشاره این قطعنامه به داوطلبانه بودن تعلیق فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم و غیرالزامی بودن این اقدام اعتبار مهمی برای ج.ا.ایران است. آمریکا گفت: ج.ا.ایران، جامعه بین‌المللی را فریب داده و در گذشته بارها از پای‌بندی به تعهداتش کوتاهی کرده است. موسویان نماینده ج.ا.ایران این قطعنامه را مثبت خواند و گفت که این قطعنامه به خروج ج.ا.ایران از دستورکار شورای حکام منجر خواهد شد. شورای حکام اجرای کامل این قطعنامه از سوی ج.ا.ایران را یک اقدام اعتمادساز داوطلبانه و بدون الزام حقوقی دانست (GOV/2004/90).

### ۷-۱-۳. قطعنامه ۱۱ آگوست ۲۰۰۵

ج.ا.ایران این قطعنامه شورای حکام در باره توقف فعالیت‌های مرکز فرآوری اورانیوم در اصفهان را که محصول آن در فرایند غنی‌سازی مورد استفاده دارد، رد کرده و به هیچ‌وجه تسلیم این درخواست نشده است. شورای حکام از آقای البردعی خواست تا گزارش کاملی از فعالیت‌های ج.ا.ایران ارائه کند. این قطعنامه که پیش‌نویس آن توسط سه کشور اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) تهیه شده بود، بدون رأی‌گیری و با اجماع آراء شورای حکام به تصویب رسید که ۲۵ عضو شورای حکام با لحن این قطعنامه موافق بودند. آمریکا فعالیت تأسیسات اصفهان را نه تنها نقض تعهدات ج.ا.ایران بر طبق معاهده ۱۹۷۰ NPT دانست بلکه همچنین آن را یک تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی خواند (GOV/2005/77).

### ۸-۱-۳. قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ج.ا.ایران خواسته فعالیت اتمی خود را شفاف‌تر و آشکارتر کند. شورای حکام در این قطعنامه به ارجاع پرونده اتمی ج.ا.ایران به شورای امنیت سازمان ملل رأی داد، اما به دلیل اختلاف نظر بین اعضاء زمان مشخصی برای این ارجاع مشخص نشد (GOV/2005/77).

قطعنامه علیه ج.ا.ایران در شرایطی تصویب شده که ایران اعلام کرده است به هیچ‌وجه حاضر نیست از موضع خود در مورد غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای

عقب‌نشینی کند و تهدید کرده است که در صورتی که شورای حکام تصمیم به ارجای پرونده ایران به شورای امنیت بگیرد، آن بخش‌هایی از فعالیت هسته‌ای خود را که همچنان در تعلیق نگه داشته، از سر خواهد گرفت و در عضویت خود در پیمان NPT تجدید نظر خواهد کرد.

### ۹-۱-۳. قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶

بدیهی است که وقتی با بازرسی از نیروگاه‌های هسته‌ای کشوری اثری از غیر صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای یا غیرمتعارف بودن آن نمی‌باشد. آژانس نیز باید در صدور قطعنامه عادلانه عمل کند و از شدت آنها بکاهد و اجازه ندهد که موضع‌گیری برخی کشورها و اصرار در متهم کردن کشوری، وجهه حقوقی قطعنامه‌ها و بی‌طرف بودن آژانس را از بین ببرد. اما گاهی اصرار بر صدور قطعنامه‌های پیاپی نشانگر رفتارهای غیرحقوقی آژانس می‌باشد.

شورای حکام در بند یک قطعنامه ۴ فوریه از ج.ا.ایران خواسته است پروتکل الحاقی را بی‌درنگ تنفیذ و به گونه کامل به مورد اجرا گذارد. شورای حکام در این قطعنامه همچنین از ج.ا.ایران خواسته است اقدامات شفاف‌کننده‌ای را که مورد درخواست مدیرکل آژانس و فراتر از خواسته‌های ظاهری موافقتنامه حفاظتی و پروتکل الحاقی است به مورد اجرا گذارد؛ درخواست‌هایی شامل دسترسی به اشخاص، مدارک مربوط به تولید، تجهیزات دارای هدف دوگانه، پاره‌ای از کارگاه‌های نظامی و پژوهشی و توسعه که آژانس ممکن است در روند بازرسی‌های جاری خود انجام آنها را لازم بداند که ج.ا.ایران این درخواست‌ها را بیرون از چارچوب تعهدات ج.ا.ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، اساسنامه آژانس، موافقتنامه حفاظتی و حدود اختیارات شورای حکام می‌داند (GOV/2006/14).

### ۱۰-۱-۳. همکاری‌های نافرجام ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

عضویت در رژیم‌های بین‌المللی خلع سلاح اتمی نشانه مهمی در اثبات مقاصد صلح‌جویانه کشورهای عضو بوده و در نتیجه این سیاست اعتبار بین‌المللی مثبتی نصیب این کشورها می‌شود. در همین راستا ج.ا.ایران عضو معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است. در مجموع می‌توان گفت که طی چند سالی که از بررسی پرونده هسته‌ای ایران در

چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گذرد، فعالیت‌های ایران ماهیت همکاری‌جویانه و مصالحه‌گرایانه با آژانس و همچنین کشورهای اروپایی داشته است. مذاکرات سعدآباد، پاریس و بروکسل را می‌توان نشانه‌ای از همکاری ایران تلقی کرد. در این ارتباط، هدف اصلی جمهوری اسلامی در اثبات حقانیت خود براساس الگوی مذاکره قرار داشته است. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در بازرسی‌های خود را تأسیسات هسته‌ای ایران بر قصور متعددی توسط ایران و عدم اطلاع‌رسانی به موقع از مواد هسته‌ای خود به آژانس اشاره کرده است. به همین دلیل هم در قطعنامه‌های خود، خواهان تعلیق فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم و تصویب فوری پروتکل الحاقی توسط ایران بوده است. اما این خواسته‌ها فراتر از تعهدات حقوقی ایران طبق مفاد موافقت‌نامه پادمان ایران با آژانس و سایر اسناد حقوقی مورد تعهد ایران است. به همین دلیل ایران نیز با تأکید بر صلح‌آمیز بودن فعالیت خود و حق قانونی برخوردار بودن از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای، از اجرای قطعنامه‌های شورای حکام خودداری کرده است. این عکس‌العمل ایران سبب تردید بیشتر نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای و ارسال پرونده ایران به شورای امنیت گردید (تدینی و توکلی، ۱۳۸۹: ۱۴۶-۱۴۵).

در نتیجه عضویت ج.ا.ایران در رژیم‌های بین‌المللی زیرسوال می‌رود. درحالی‌که ج.ا.ایران به‌عنوان یک عضو فعال و پیشرو محافل بین‌المللی خلع سلاح، همواره با نظام بین‌المللی همکاری کرده است، در عمل پاداش مناسبی دریافت نکرده است. درحالی‌که ج.ا.ایران در جریان بحران هسته‌ای حتی فراتر از تعهدات خود به همکاری با آژانس و کشورهای اروپایی پرداخت. در عمل به‌جای تلاش آن کشورها برای ختم این پرونده، همواره با فشارهای جدید و روزافزون با زیاده‌طلبی طرف‌های هسته‌ای خود مواجه شد. از دیدگاه برخی از ناظران ایرانی، در اثر این وضعیت بی‌اعتمادی نسبت به قدرت‌های بزرگ و وعده و وعید آنها بیشتر شده است.

## ۲-۳. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کره شمالی

در این بخش به بررسی عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص موضوع هسته‌ای کره شمالی پرداخته شده است. از این‌رو قطعنامه‌های شورای حکام طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ ملاک بررسی قرار گرفته‌اند.



### ۱-۲-۳. قطعنامه ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲

در این قطعنامه از فقدان پیشرفت ملموس منعکس شده در گزارش عمومی موجود در سند 16 / (46) GC و اینکه کره شمالی هنوز به آژانس برای اجرای موافقتنامه پادمان NPT با کره شمالی اجازه نداده است، ابراز نگرانی می‌شود. این قطعنامه با تأکید بر نقش مهم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در نظارت بر برخی از تأسیسات هسته‌ای در کره شمالی، دوباره از کره شمالی می‌خواهد تا به‌صورت فوری و کامل از موافقتنامه پادمان پیروی کند و تمام مراحل را که آژانس لازم می‌داند از جمله اطلاعات مربوط به بررسی صحت و کامل بودن بیانیه اولیه کره شمالی را مدنظر قرار دهد.

همچنین خواهان همکاری کامل کره شمالی برای شروع بی‌درنگ همکاری کامل با آژانس برای راستی‌آزمایی و کامل بودن بیانیه اولیه کره شمالی از نظر ملاحظات موجود در بند ۶ گزارش 16(46)GC مدیرکل و قضاوت مستقل فنی از سال ۱۹۹۹ است که توسط مدیرکل اعلام شد (GC(47)RES/12).

### ۲-۲-۳. قطعنامه ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۳

این قطعنامه از کره شمالی می‌خواهد در اقداماتش تجدید نظر کرده و بیانیه دهد که کره شمالی برخلاف تعهدات داوطلبانه‌اش در اقدامات منع گسترش سلاح‌های بین‌المللی عمل کرده است؛ از کره شمالی می‌خواهد به‌سرعت موافقتنامه پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را قبول کند. کره شمالی باید به‌طور کامل برنامه سلاح‌های هسته‌ای در یک اعلان از بین ببرد، و در یک روش شفاف و برگشت‌ناپذیر، نقش ضروری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مورد تأیید قرار دهد (GC(47) RES/12).

### ۳-۲-۳. قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۴

با توجه به قطعنامه شورای حکام در سند GOV / 2003/14 در ۱۲ فوریه ۲۰۰۳، که در آن شورای حکام اعلام کرد که جمهوری دموکراتیک خلق کره (DPRK) در بیشتر موارد موافقتنامه پادمان را رعایت نکرده است؛ تصمیم گرفت عدم رعایت کره شمالی را به شورای امنیت سازمان ملل متحد اطلاع دهد. با توجه به اظهارات مکرر مقامات کره شمالی مبنی بر ساخت یک نیروی بازدارنده هسته‌ای، و اعلامیه‌اش در اکتبر ۲۰۰۳ که

در آن اعلام کرده بود که بازآوری بیش از ۸۰۰۰ صرف میله‌های سوخت را تمام کرده است، نسبت به اقدامات انجام شده توسط کره شمالی که منجر به تصمیم شورای حکام در ۱۲ فوریه ۲۰۰۳ شد اظهار تاسف می‌کند و کره شمالی را بعنوان ناقض موافقتنامه پادمان NPT می‌یابد (GC(48)RES/13).

#### ۴-۲-۳. قطعنامه ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵

از نتیجه مثبت دور چهارم مذاکرات شش‌جانبه، که در آن اعضا با هدف و اصول اولیه موافقت کردند، استقبال می‌کنند و آن را پایه خوبی برای تحقق بخشیدن به مراحل بعدی اعلام می‌کند. این قطعنامه اقدامات انجام شده توسط شورای حکام را تأیید می‌کند از کره شمالی می‌خواهد در اجرای کامل و موثر موافقتنامه جامع پادمان NPT با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری داشته باشد؛ بر تمایل خود برای حل مسالمت‌آمیز مسأله هسته‌ای کره شمالی از طریق گفتگو تأکید می‌کند. از تلاش‌های صلح‌آمیز جامعه بین‌المللی در تمام مجامع و انجمن‌های در دسترس برای رسیدگی به چالش ایجاد شده توسط مسأله هسته‌ای کره شمالی، حمایت می‌کند (GC(49)RES/14).

#### ۵-۲-۳. قطعنامه ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۶

با توجه به قطعنامه ۱۶۹۵ شورای امنیت سازمان ملل، که در ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۶ پس از راه‌اندازی چند موشک بالستیک توسط کره شمالی به اتفاق آرا به تصویب رسید، با در نظر گرفتن گزارش مدیر کل در سند 15 (50) GC، که اقدامات یکجانبه کره شمالی را توصیف می‌کند، اعلام می‌کند که آژانس قادر به بررسی مواد هسته‌ای که انحراف پیدا کرده، نیست و از کره شمالی می‌خواهد بلافاصله بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی به مذاکرات شش‌جانبه برگردد و بیانیه مشترک را که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ صادر شده بود، اجرا کند و برای اجرای تعهدات خود همه تسلیحات هسته‌ای و برنامه‌های هسته‌ای خود را از بین ببرد (GC(50)RES/15).

در این قطعنامه ما مشاهده می‌کنیم به‌رغم اینکه کره شمالی NPT را نقض می‌کند و هیچ توجهی به رژیم‌های بین‌المللی سلاح‌های کشتار جمعی ندارد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سخت‌گیری کمتری را در این زمینه داشته است.

### ۶-۲-۳. قطعنامه ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۷

نظارت و راستی‌آزمایی فعالیت‌های آژانس در خاموش کردن و مهر و موم کردن تأسیسات هسته‌ای یانگ‌بیون براساس موافقتنامه ۱۳ فوریه ۲۰۰۷ را تأیید می‌کند؛ مراتب نگرانی عمیق خود را خصوص آزمایش انفجاری هسته‌ای کره شمالی در تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۰۶ اعلام می‌کند و اهمیت اجرای قطعنامه ۱۷۱۸ شورای امنیت سازمان ملل را به رسمیت می‌شناسد و همچنین از پیشرفت‌های به دست آمده اخیر در مذاکرات شش‌جانبه استقبال می‌کند؛ بر اهمیت اجرای سریع و کامل توافق ۱۳ فوریه تأکید می‌کند و انتظار دارد که کره شمالی گام‌های بیشتری را بردارد (GC(51)/RES/16).

### ۷-۲-۳. قطعنامه ۴ اکتبر ۲۰۰۸

آژانس در این قطعنامه بر تمایل خود برای حل مسالمت‌آمیز مسأله هسته‌ای کره شمالی برای ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای از طریق گفتگو تأکید می‌کند. این قطعنامه از مذاکرات شش‌جانبه پشتیبانی می‌کند و بر اهمیت اجرای کامل بیانیه مشترک ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ به شیوه‌ای مرحله به مرحله با اصل (عمل در مقابل عمل) تأکید دارد. از توافق انجام‌شده توسط شش عضو در ۱۲ جولای ۲۰۰۸ برای ایجاد یک نظام بازرسی در چارچوب مذاکرات شش‌جانبه استقبال می‌کند و به نظر می‌رسد این یک توافق ابتدایی برای یک سازوکار تأثیرگذار است؛ و نقش آژانس در راستی‌آزمایی را مورد تأکید قرار می‌دهد (GC(52) RES/17).

دولت آمریکا با دادن وعده‌هایی، تلاش کرد تا به صورت یکجانبه به مقصود خود که همان خلع سلاح کامل کره شمالی باشد دست یابد، اما این وعده‌ها هیچ‌گاه عملی نشد و کره‌ای‌ها در برابر رفتار غیرصادقانه آمریکایی‌ها مقابله به مثل کردند. بنابراین ایالات متحده آمریکا با ادامه رفتار دوگانه در قبال کشورهای دیگر، نباید انتظار اعتمادسازی یکجانبه را داشته باشند.

### ۸-۲-۳. قطعنامه ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۳

این قطعنامه خواهان اجرای کامل تعهدات کشورهای عضو از جمله خلع سلاح کره شمالی به موجب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد ۱۷۱۸ (۲۰۰۶)، ۱۸۷۴

(۲۰۰۹)، ۲۰۸۷ (۲۰۱۳) و ۲۰۹۴ (۲۰۱۳) است. از کره شمالی می‌خواهد که با NPT تطابق کامل داشته باشد و در اجرای کامل و موثر معاهده پادمان با آژانس همکاری بی‌درنگ داشته باشد (GC(57)/RES/14).

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تمام فعالیت‌های هسته‌ای، از جمله اظهارات اخیر کره شمالی درباره قصدش برای تنظیم و راه‌اندازی مجدد تأسیسات هسته‌ای در یانگ‌بیون شامل راکتور ۵ مگاواتی تعدیل گرافیت، فعالیت‌های غنی‌سازی سازی اورانیوم و گسترش آن و ساخت یک راکتور آب سبک در یانگ‌بیون را محکوم می‌کند و مصرانه از کره شمالی می‌خواهد هر گونه اقدام مربوط به راه‌اندازی و تنظیم مجدد و گسترش تأسیسات هسته‌ای در یانگ‌بیون را متوقف کند.

از مذاکرات شش‌جانبه به عنوان یک مکانیسم موثر در برخورد با مسأله هسته‌ای کره شمالی یاد کرده و خواهان از سرگیری مذاکرات شش‌جانبه با هدف دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای کامل و برگشت‌ناپذیر برای برقراری صلح و امنیت در شبه جزیره کره و شرق آسیا است و از کره شمالی می‌خواهد که تعهدات خلع سلاح هسته‌ای و بیانیه مشترک مذاکرات شش‌جانبه در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵ را رعایت کند.

### ۹-۲-۳. قطعنامه ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۴

در مورد تلاش‌های مداوم کره شمالی برای توسعه بیشتر قابلیت‌های هسته‌ای همانطور که در گزارش مدیر کل آمده است، از جمله تخلیه بخار و خروج آب خنک‌کننده در گرافیت، تعدیل راکتور ۵ مگاواتی، تأسیسات غنی‌سازی سانتریفیوژ در یونگ‌بیون از جمله نصب و راه‌اندازی سازه‌های پشتیبانی، و فعالیت‌های ساخت و ساز در راکتور آب سبک و... ابراز نگرانی می‌کند (GC (58)/RES/15).

### ۱۰-۲-۳. همکاری‌های نافرجام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کره شمالی

با امضای موافقت‌نامه جامع پادمان با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آژانس خواهان افزایش بازرسی می‌شود. در فوریه ۱۹۹۳ آژانس جهت بازدید از دو سایت نظامی مشکوک درخواست می‌دهد که با مخالفت کره شمالی روبه‌رو می‌شود. در پی آن، آژانس از شورای امنیت می‌خواهد که برای وادار کردن کره به اجازه دادن به ورود بازرسان آژانس دخالت

کند که با مخالفت کره شمالی و خروج از آن بی‌تی روبه رو می‌شود.

عدم عضویت در رژیم‌های بین‌المللی سلاح‌های کشتار جمعی به معنی آزادی مطلق یک کشور نیست. به‌خصوص اگر سیاست‌های آن کشور با نظام بین‌الملل همسو و هماهنگ نباشد. در واقع با توجه به توسعه حقوق بین‌الملل و نیز ساختار نظام بین‌المللی امکان اتخاذ مکانیسم‌های کنترل‌کننده علیه آن کشور وجود دارد. کره شمالی با روی آوردن به گزینه سلاح‌های هسته‌ای، مردم این کشور را با سختی‌های بی‌شمار مواجه کرده است و کارایی سلاح‌های اتمی در افزایش امنیت را برای مردم این کشور زیرسوال برده است.

۴. مقایسه پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی از نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی  
سیاست‌هایی را که کره شمالی در برنامه هسته‌ای خود دنبال کرده، نمی‌توان با برنامه اتمی ج.ا.ایران یکسان فرض کرد. چرا که هر دو کشور از لحاظ نظام سیاسی، جایگاه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، میزان نقش و نفوذ در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به هیچ‌وجه قابل مقایسه نیستند. براین مبنا مقایسه برنامه هسته‌ای بین این دو کشور و پیشنهاد برخورد با ج.ا.ایران مثل کره شمالی نمی‌تواند ارزیابی درستی به‌دست دهد.

#### ۴-۱. شباهت برنامه اتمی ج.ا.ایران و کره شمالی

برنامه اتمی ج.ا.ایران و کره شمالی دو مورد از بزرگ‌ترین چالش‌های امنیتی برای جامعه بین‌الملل در طول سال‌های طولانی بوده است.  
هدف در هر دو این کشورها تغییر رژیم و تغییر رفتار در این کشورها بوده است.  
هر دو کشور به همراه عراق در سال ۲۰۰۲ در لیست کشورهای حامی تروریسم "محور شرارت" قرار گرفته‌اند. از نظر قدرت‌های بزرگ، ساختار تصمیم‌گیری در دو کشور، خواستار فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز نبوده و به دنبال اهداف مخربند. هم ایران و هم کره شمالی رویکردی مخاصمه‌جویانه برگزیدند و خواستار برتری خود در مذاکرات، پیش شرط و... بودند

استراتژی که در قبال این دو کشور به‌کار گرفته شد، شامل سیاست تشکیل ائتلاف‌های چندجانبه، تحریم و... برای اعمال فشار دیپلماتیک بوده است.  
تحریم‌ها نقش عمده‌ای برای خلع سلاح هسته‌ای در ایران و کره شمالی بازی

کرده‌اند. گرچه هردو کشور از حیث تحریم‌های جهانی مشابه هستند، ولی یکسان نبودن رفتار ابرقدرت‌ها، مفاد تحریم‌ها، توان بیشتر ایران در فرار از تحریم‌ها به نوعی یک تفاوت فاحش در پرونده هسته‌ای دو کشور می‌باشد. در مقایسه با تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه هردو کشور، به نظر می‌رسد گسترده تحریم‌های اعمال شده علیه کره شمالی کمتر بوده است

ورود چین، واسطه همکاری ایران و کره شمالی (موشکی): در ۲۰۱۲ سازمان ملل در گزارشی مدعی شده به نظر می‌رسد ایران و کره شمالی به‌طور مرتب به تبادل تکنولوژی موشکی اقدام کرده‌اند که ناقض تحریم‌های شورای امنیت محسوب می‌شود. خبرگزاری رویترز به نقل از نسخه‌ای از گزارش کارشناسی سازمان ملل نوشت: شماری از دیپلمات‌ها به شرط فاش‌نشدن نام خود تأکید کرده‌اند که این تعاملات از طریق کشور ثالث یعنی چین انجام شده است. به‌علاوه چین در سال‌های اخیر روابط اقتصادی بسیار نزدیکی با ایران و کره شمالی داشته و به‌طور آشکار در هر دو کشور فعالیت می‌کند.

هر دو کشور معتقد به فرایند مذاکره برای حل بحران هسته‌ای هستند و از چندجانبه‌شدن مذاکرات استقبال می‌کنند.

هر دو کشور با موضع انقلابی خواهان تغییر نظام بین‌الملل هستند و هردو کشور قبل از بحران هسته‌ای مورد حمله نظامی مستقیم یا غیرمستقیم از طرف غرب قرار گرفته‌اند.

## ۲-۴. تفاوت برنامه اتمی ج.ا.ایران و کره شمالی

مهم‌ترین تفاوت میان دو کشور، تفاوت در هدف، تفاوت در ابزار، تفاوت در دفاع و تفاوت در خلاقیت دیپلماتیک است.

قدرت‌های جهانی گرچه ج.ا.ایران را به نقض حقوق بشر و موازین دموکراتیک متهم می‌کنند ولی وجود سیستم انتخابات و اپوزیسیون در مجالس و ... باعث شده وجهه ایران همانند کره شمالی منفی نباشد. ایران به‌طور سنتی جزو بلوک غرب به‌شمار رفته و نیاز غرب به انرژی آنان را ناگزیر به تعامل و رابطه با ایران کرده است. ایران یکی از باسابقه‌ترین کشورها برای اجرای دموکراسی است. از این جهت، با کره شمالی سابقه تاریخی اندک، آن هم با یک حکومت کمونیستی دارد که توتالیتر بوده قائل مقایسه نیست.

عمده‌ترین تفاوت میان این دو کشور آن است که جمهوری اسلامی ایران به‌صورت

داوطلبانه NPT را امضاء کرده است در حالی که کره شمالی تحت فشار شورای NPT را امضاء کرده است. کره شمالی بارها تأکید کرده در برابر آمریکا به حق استفاده خود از بمب اتمی اقدام خواهد کرد، در حالی که ایران در مجامع رسمی بارها از سلاح هسته‌ای تحت هر عنوان مخالفت کرده است. البته کره شمالی مادام که موازنه قوا در منطقه‌اش به هم نخورد و احساس ناامنی نکند، دست به استفاده از سلاح هسته‌ای نمی‌برد.

ج.۱. ایران مهم‌ترین قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در خاورمیانه محسوب می‌شود. در حالی که کره شمالی از این نظر اهمیت خاصی نداشته و نام این کشور مترادف با فقر و گرسنگی است. آمریکایی‌ها هم می‌دانند که چنانچه ایرانی‌ها خواهان دستیابی به بمب اتمی نیز باشند، سال‌های زیادی برای تحقق این امر نیاز خواهد داشت. یکی از دلایل فشار بیشتر به ایران نیز همین مورد است.

در سال ۱۹۹۲، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بازدید از دو سایت کره شمالی، شواهدی از تولید پلوتونیوم را یافتند و متعاقب آن کره شمالی اعلام کرد از NPT خارج خواهد شد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده است که برنامه اتمی‌اش صلح‌آمیز بوده و با بازرسان همکاری داشته است.

یکی از وجوه مهم تمایز ج.۱. ایران و کره شمالی جایگاه بین‌المللی ج.۱. ایران است. برخلاف کره شمالی که اساساً کشوری منزوی در صحنه بین‌المللی است، ج.۱. ایران در سطح جهان اسلام و حتی در میان کشورهای غیر اسلامی دارای جایگاه مهمی است. علاوه بر این موقعیت ژئوپولیتیکی ج.۱. ایران که عاملی تأثیرگذار بر پنج سیستم تابع منطقه‌ای است.

کره شمالی تاکنون حداقل سه بار آزمایش هسته‌ای انجام داده که با مخالفت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روبه‌رو شده است. این در حالی است که ج.۱. ایران تاکنون آزمایش اتمی نداشته است.

تفاوت در بازیگران رقیب نیز یکی از وجوه افتراق مسأله هسته‌ای ج.۱. ایران و کره شمالی است. در حالی که مهم‌ترین نیروهایی که علیه برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی بسیج شده بودند عبارت بودند از: آمریکا، ژاپن، کره جنوبی و تا حدی استرالیا، نیروهای رقیب ج.۱. ایران عبارتند از: آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی و تا حدی بعضی از کشورهای عربی. بنابراین، به نظر می‌رسد به لحاظ سیاسی، نیروهای رقیب علیه جمهوری اسلامی ایران از

وزن سیاسی بیشتری در نظام بین‌الملل برخوردارند.

جمهوری اسلامی ایران در ازای کاهش تحریم‌ها حاضر به شفافیت کامل در برنامه اتمی‌اش شده است. این در حالی است که کره شمالی هیچ‌گاه حاضر به شفاف‌سازی در تأسیسات اتمی‌اش نبوده است.

کره شمالی تا حد زیادی از اقتصاد جهانی کنار گذاشته شده است در حالی که ج.ا.ایران به عنوان یک منبع مهم انرژی بین‌المللی باقی مانده است.

اهداف آمریکا در قبال کره شمالی به‌طور فزاینده‌ای متمرکز بر منع گسترش بیشتر، پیشرفت تکنولوژی در کوتاه مدت و خلع سلاح هسته‌ای کامل به عنوان هدف نهایی است. اما تحریم درج.ا.ایران با هدف تعلیق چرخه سوخت هسته‌ای و نظارت بر برنامه هسته‌ای آن کشور صورت گرفته است.

از کشورهای موثر در این رابطه، چین و روسیه تعامل سیاسی بیشتری را در برنامه اتمی کره شمالی نشان داده‌اند.

تفاوت در خلاقیت دیپلماتیک نیز در این رابطه بسیار مهم بوده است، آنچه روشن است دیپلمات‌های کره شمالی موفق شدند روند مذاکرات را چنان هدایت کنند که هم کره شمالی به بمب هسته‌ای دست یابد و هم بعد از آن، فشار شکننده‌ای بر این کشور وارد نشود. به‌طور قطع اکنون که کره شمالی هسته‌ای شده است رفتار آن بسیار قدرتمندتر از زمانی است که دست به آزمایش هسته‌ای زنده بود.

۷. علل عملکرد تبعیض آمیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال پرونده اتمی دو کشور ج.ا.ایران و کره شمالی

اجرای تعهدات بین‌المللی همواره دوسویه است و همانگونه که از دولت‌های ج.ا.ایران و کره شمالی انتظار می‌رود که به تعهدات بین‌المللی‌اش پایبند باشد، از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز انتظار می‌رود که به تعهداتش پایبند باشد. بررسی وضعیت پرونده اتمی ج.ا.ایران و نتیجه اجرای مقررات رژیم‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که این مقررات صرفاً در راستای منافع قدرت‌های بزرگ تفسیر و اجرا می‌شود و در مواردی که اجرای مقررات می‌تواند به نفع کشورهای دیگر منتهی بشود، قدرت‌های بزرگ از انجام تعهدات خود شانه خالی کرده‌اند. به عنوان مثال کشور کره شمالی به علت حمایت چین و روسیه با فشار زیادی از سوی جامعه جهانی مواجه نیست در صورتی که حتی قصور سهوی و



جزئی کشورهای دیگر همچون ایران در انجام تعهدات خود موجهی از جنجال و فشارهای بین‌المللی مضاعف را در پی دارد.

مشکل غرب با ج.ا.ایران استفاده از یک سلاح هسته‌ای نیست زیرا غرب می‌داند که ایران از سلاح هسته‌ای استفاده نمی‌کند. مشکل اصلی غرب با ج.ا.ایران در این است که تمدن غرب در حال سقوط است، در حالی که تمدن اسلامی در حال شکوفایی است. بلوغ تمدنی ج.ا.ایران نشان می‌دهد که این کشور ظرفیت فراوانی برای ایفای نقش مثبت در نظم پیچیده جهانی دارد. برخلاف کره شمالی، ایران دارای یک جامعه مدنی پویا، طبقه تحصیل کرده که مورد حسادت منطقه قرار دارد، جمعیت بالای افراد ساکن در خارج از کشور و منابع طبیعی غنی است. در صورتی که کشور ایران به یک قدرت هسته‌ای در منطقه بسیار حساس خاورمیانه تبدیل شود، می‌تواند تأثیری عمیق و تعیین‌کننده بر تحولات منطقه‌ای و جهانی بر جای گذارد.

نظام سیاسی برخاسته از انقلاب اسلامی ایران با نظام سیاسی برخاسته از خط‌مشی استالینیستی - لنینیستی کره شمالی تفاوت جوهری دارد. انقلاب اسلامی ایران دارای خصوصیات منحصر به فردی است؛ از جمله مذهبی بودن، عدالت‌خواهی، نفی هر دو اردوگاه شرق و غرب، جهان‌شمولی، بیداری اسلامی میان مسلمانان و... علاوه بر این محیط منطقه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در آن واقع شده، یک محیط بسیار حساس اقتصادی و امنیتی است. عامل کلیدی که باعث این حساسیت شده، انرژی (نفت) است. علاوه بر این، کشورهای حوزه خلیج فارس در پرتو رژیم‌های محافظه‌کار خود، هسته‌ای شدن یک کشور را سبب ناامنی منطقه می‌دانند. صرف‌نظر از مسائل انرژی، متلاطم بودن محیط امنیتی منطقه خلیج فارس و خاورمیانه می‌تواند مزید بر علت شود تا درباره رفتار با ایران محتاطانه‌تر عمل شود.

ج.ا.ایران در مناطقی مانند سوریه، لبنان، فلسطین، عراق و بسیاری از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس درای نفوذ فرهنگی و امنیتی زیادی است. این یک معمای مهم برای قدرت‌های جهانی است که ج.ا.ایران چگونه از این پتانسیل‌ها در هنگام وقوع شرایط بحرانی استفاده خواهد کرد و تأثیر آن بر محیط منطقه‌ای چقدر است؟ این در حالی است که در مقابل منطقه شرق آسیا، اساساً یک منطقه اقتصادی است و این منطقه به دلیل نقشی که در ثبات اقتصاد بین‌الملل ایفا می‌کند، برای همه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مهم

است. بازیگران منطقه‌ای شرق آسیا نقش فعال‌تری را در تعدیل فشارهای نظامی آمریکا بر کره شمالی ایفا کردند، حال آن‌که بازیگران منطقه‌ای خلیج فارس و خاورمیانه نقش فعالی در مسأله هسته‌ای ایران ندارند. در چنین شرایط قدرت‌های جهانی با استفاده از نهادهای بین‌المللی خواهان آن هستند تا با سیاست فشار و به‌انزواکشیدن ایران جلو رشد و پیشرفت این کشور را بگیرند و ج.ا.ایران را مورد مواخذه بین‌المللی قرار دهند.

### نتیجه

تدوین رژیم‌های بین‌المللی کنترل سلاح‌های جمعی و اجرای آنها روندی را از مذاکرات دوجانبه تا چندجانبه و به‌خصوص در عرصه سازمان ملل طی کرده است. این روند توسعه را می‌توان در مذاکرات کنترل تسلیحات و تعاملات میان حکومت‌ها و منافع سیاسی مربوطه آنها ردیابی کرد. این تعاملات به‌خصوص با توجه به نقش تسهیل‌کننده سازمان ملل و روند شکل‌گیری مقررات مربوطه از طریق آن حایز اهمیت می‌باشند. هرچند این روند با توجه به تنش‌های شدید دوران جنگ سرد کند بوده ولی نهایتاً به نتیجه مهمی در تدوین چندین معاهده بین‌المللی کنترل تسلیحات انجامیده است. از جمله مهم‌ترین نقش سازمان ملل در زمینه نظارت و تأیید می‌توان به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و فعالیت آن در چارچوب سازمان ملل اشاره کرد. به‌طور کلی تدوین یک رژیم کامل و موفق کنترل تسلیحات به تلاش‌های دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی وابسته است. در حقیقت رویکرد حقوقی و سیاسی معاهده‌ها نقش بیشتری نسبت به مسایل فنی در اجرای معاهده‌ها دارند.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، بررسی عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با توجه به معاهده منع اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، در قبال مسائل امنیتی از جمله مسأله هسته‌ای دو کشور جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی بود، که پس از آن که نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بیان شد و این که این نهادهای بین‌المللی چه تدابیر و تضمینات حفاظتی را اندیشیده‌اند و نحوه رسیدگی به مسائل و اختلافات بین‌المللی در صورت بروز بحرانی که امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد، چگونه خواهد بود؟ به‌طور خاص عملکرد این نهاد بین‌المللی را در قبال مسأله حساس هسته‌ای شدن کشورها به‌عنوان موضوعی که علاوه بر ابعاد صلح‌آمیز

می‌تواند ابعاد نظامی و غیرصلح‌آمیز نیز داشته باشد، مورد بررسی قرار گرفت. این که در واقع ضمانت اجرای تعهدات هسته‌ای کشورها چیست؟ و حق استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در اسناد بین‌المللی کدام است؟

مسأله هسته‌ای ج.ا.ایران و کره شمالی مشابهت‌ها و تفاوت‌های زیادی با هم دارند که سعی شد با تحلیل و بررسی قطعنامه‌ها و توجه به معاهدات منع اشاعه سلاح‌های اتمی به این موضوع پرداخته شود. جمهوری اسلامی ایران طی سال‌ها فعالیت هسته‌ای خود، همواره همکاری‌های گسترده و داوطلبانه‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بازرسان آنها داشته و برنامه اتمی‌اش تحت نظارت جدی آژانس قرار داشته است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی معتقد است که جمهوری اسلامی ایران باید براساس معاهده NPT، موافقتنامه پادمان و پروتکل الحاقی تمام برنامه اتمی خود را به آژانس گزارش دهد و چون به موقع این اطلاعات را به آژانس ارائه نداده، تخلف کرده و منجر به این سوءظن شده است که این کشور به‌طور پنهانی درصدد دستیابی به سلاح هسته‌ای است. بنابراین پرونده اتمی ج.ا.ایران به شورای امنیت ارجاع داده شد.

در جریان مذاکرات سال‌های اخیر برای حل ابهامات و اختلافات مربوط به پرونده هسته‌ای، همواره موضع جمهوری اسلامی ایران بر این بوده است که به موجب مواد ۳ و ۴ معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ کلیه کشورها از این حق برخوردار هستند که بدون تبعیض از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه بهره‌برداری کنند و هیچ دولت یا مرجعی نمی‌تواند در اعمال این حق مانعی ایجاد کند. البته به‌طور مکرر جامعه بین‌المللی را نیز محق دانسته که نسبت به صلح‌جویانه بودن فعالیت‌های مربوطه اطمینان حاصل کند و در این خصوص، همکاری‌های گسترده‌ای نیز داشته است. پس از چندین دور مذاکره در وین، لوزان و ژنو، در آخرین دور از مذاکرات برنامه هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ از ظهر روز شنبه ۲۷ ژوئن ۲۰۱۵، دو طرف آغاز شد و توافقی تحت عنوان برجام به تصویب رسید که قطعنامه‌های تحریمی را لغو اعلام کرده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مرجع راستی‌آزمایی اجرای فنی برجام در مورد ایران قرار داده است. البته موضوع این مقاله تا قبل از انعقاد معاهده برجام بوده و نتیجه معاهده برجام به عملکرد طرفین درگیر بستگی دارد که موضوع این پژوهش نیست.

کره شمالی همواره با درخواست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از

تأسیسات هسته‌ای‌اش مخالفت کرده و اجازه بازرسی نداده است. کره شمالی هیچ‌گاه تحت رژیم‌های کنترل تسلیحات ملل متحد نبوده است و حتی در سال ۱۹۹۳ از NPT خارج شد. در حالی که ایران در بهترین شرایطی که امکان خروج از این معاهده را داشت، یعنی در دهه ۱۹۹۰، به این معاهده پای‌بند ماند و همین خود حکایت از صلح‌آمیز بودن روند هسته‌ای‌شدن ایران دارد. آنچه مسلم است، موضوع هسته‌ای کره شمالی در مقایسه با ایران دارای پیچیدگی بیشتری است، چرا که این کشور به‌رغم آزمایش انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد و نیز آزمایش هسته‌ای به نوعی بازدارندگی در قبال بازیگران مهم منطقه دست یافته است. با این وجود، جامعه جهانی با صدور قطعنامه‌هایی که در مقایسه با ایران تحریم‌هایی با شدت کمتر داشته، تصویب کرده است. بررسی مقایسه‌ای این روند، نشان‌دهنده اعمال برخوردهای تبعیض‌آمیز و به‌کارگیری معیارهای دوگانه از سوی کشورهای غربی است. از جمله این که کره شمالی تاکنون سه بار آزمایش هسته‌ای انجام داده است که با مخالفت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روبه‌رو شده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران تاکنون آزمایش اتمی نداشته است. جمهوری اسلامی ایران در ازای کم‌شدن تحریم‌ها حاضر به شفافیت کامل در برنامه اتمی‌اش شده است. این در حالی است که کره شمالی هیچ‌گاه حاضر به شفاف‌سازی در تأسیسات اتمی‌اش نبوده است. کره شمالی از همان سال‌های اول اقدام به تأسیس کارخانه بازفرآوری هسته‌ای کرد و در مه ۱۹۹۴ در تأسیسات و مواد هسته‌ای خود، اقدامات و جابه‌جایی‌هایی بدون حضور بازرسان آژانس انجام داد و همواره با درخواست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از تأسیسات هسته‌اش مخالفت کرده و اجازه بازرسی نداده است.

اهداف آمریکا در قبال کره شمالی به‌طور فزاینده‌ای متمرکز بر منع گسترش بیشتر، پیشرفت تکنولوژی در کوتاه مدت و خلع سلاح هسته‌ای کامل به‌عنوان هدف نهایی است. اما تحریم در ایران با هدف تعلیق چرخه سوخت هسته‌ای و نظارت بر برنامه هسته‌ای آن کشور صورت گرفته است. از کشورهای موثر در این رابطه، چین و روسیه تعامل سیاسی بیشتری را در برنامه اتمی کره شمالی نشان داده‌اند. علل تبعیض‌آمیز عملکرد آژانس در قبال پرونده هسته‌ای دو کشور نیز اشاره شد که مربوط به تفاوت دو نظام سیاسی، دو ایدئولوژی، دو موقعیت ژئوپلیتیک، دو جایگاه متفاوت قدرت منطقه‌ای و جهانی، حامیان بین‌المللی متفاوت دو کشور و... بوده است. بنابراین، با بررسی قطعنامه‌های شورای حکام

و مقایسه آنها، فرضیه این پژوهش مبنی بر عملکرد غیرمنصفانه و تبعیض‌آمیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال ج.ا.ایران که همواره متعهد به NPT بوده و با آژانس همکاری داشته است؛ نسبت به کشور کره شمالی که همواره با آژانس مخالفت کرده و به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی بوده و هیچ توجهی به رژیم‌های خلع سلاح اتمی نداشته است، مورد تأیید قرار می‌گیرد. \*



## کتابنامه

### منابع فارسی

- بی نا. (۱۳۶۱). *قوانین و مقررات داوری و عهدنامه وین درباره معاهدات*، تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
- تدینی، عباس و ناهید توکلی. (۱۳۸۹). ایران هسته‌ای در گیر و دار شورای حکام تا شورای امنیت. *مجله مطالعات خاورمیانه*، تابستان، شماره ۶۱.
- چیلکوت، رونالد. (۱۳۷۸). *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، چاپ دوم، موسسه خدماتی فرهنگی رسا.
- رضاپور، محمدمحمود. (۱۳۸۸). "رژیم‌های خلع سلاح و کنترل تسلیحات در نظریه‌های روابط بین‌الملل"، *مجله ره‌آورد سیاسی*، زمستان، شماره ۲۶.
- عالم، عبد الرحمان. (۱۳۸۸). *بنیادهای علم سیاست*، چاپ بیستم، تهران: نشرنی.
- عسگرخانی، ابومحمد. (۱۳۷۷). "سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای"، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۲.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰). "اصول روابط بین‌الملل"، نشر میزان.
- قوام، سیدعبدالعلی. (۱۳۸۹). "نظریه‌ها و رویکردها"، تهران: نشر سمت.
- ..... (۱۳۹۱). "سیاست‌های مقایسه‌ای"، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- مارش، دیوید و جری استوکر. (۱۳۷۸). "روش و نظریه در علوم سیاسی"، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- IAEA. (2006). “*Report IAEA to NU Security Council*”, from <http://www.iaea.org/>.
- ..... (2005). “*IAEA Resolution about Iran’s Nuclear Program*”, from <http://www.iaea.org/>.
- Iran watch. (2006). “*Statute of International Atomic Energy Agency*”, from <http://www.iranwatch.org>.
- Lijphart, Arend. (1971). “*Comparative politics and the comparative method*”. American Political Science Review 65 (3): doi:10.2307/1955513. JSTOR 1955513
- Richard Little. (1997). “*International Regimes*”, in John Baylis and Steven Smith (ed), *The Globalization of World Politics, an Introduction to International Relations* (Oxford University Press).
- Sartori, Giovanni. 1991. “Comparing and Miscomputing”. *Journal of Theoretical Politics*.3 (3).  
<http://www.shia-news.com/fa/news/>  
<https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC46/Resolutions/gc46res14.pdf>  
<https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC47/Resolutions/gc47res12.pdf>  
<https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC48/Resolutions/gc48res15.pdf>  
[https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC49/GC49Resolutions/English/gc49res-14\\_en.pdf](https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC49/GC49Resolutions/English/gc49res-14_en.pdf)  
[https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC50/GC50Resolutions/English/gc50res-15\\_en.pdf](https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC50/GC50Resolutions/English/gc50res-15_en.pdf)  
[https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC51/GC51Resolutions/English/gc51res-16\\_en.pdf](https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC51/GC51Resolutions/English/gc51res-16_en.pdf)  
[https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC52/GC52Resolutions/English/gc52res-14\\_en.pdf](https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC52/GC52Resolutions/English/gc52res-14_en.pdf)  
[https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC57/GC57Resolutions/English/gc57res-14\\_en.pdf](https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC57/GC57Resolutions/English/gc57res-14_en.pdf)  
[https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC58/GC58Resolutions/English/gc58res-15\\_en.pdf](https://www.iaea.org/About/Policy/GC/GC58/GC58Resolutions/English/gc58res-15_en.pdf)  
<https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2003-69.pdf>  
<https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2003-81.pdf>  
<https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2004-21.pdf>  
<https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2004-49.pdf>  
<https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2004-79.pdf>  
<https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2004-90.pdf>  
<https://www.iaea.org/sites/default/files/gov2005-77.pdf>



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی